

چالش‌های مطالبات معلمان در ایران - قسمت دوم

سید حسن الحسینی

غیبت روابط معلمی

ریشه‌ها و بنیادهای مطالبات و شاید به تعبیر صحیح‌تر نارضایتی‌های موجود معلمان در ایران، قبل از آنکه اقتصادی باشد؛ فرهنگی است و آن را وجود فاصله‌های گفتمانی ایجاد کرده است. مدرسه اصولاً باید تلاقی و برآیند خواست سه نهاد دانش‌آموز، خانواده و جامعه باشد، اما جولانگاه یک‌سالاری نهاد دولت شده است!! موضوعی که تا حدود زیادی نشاط و کارآمدی را از بین می‌برد و راه مشارکت فکری همگان را در مدرسه می‌بندد. چنین وضعیتی البته معلمی را که تعلیم و تربیت را می‌فهمد؛ آزار می‌دهد. از این جهت وجدان او در التهاب و رنج است، او نمی‌تواند مدرسه ناکارآمد و سیاست‌زده دولت پایه را بپذیرد! شاید این پدیده عرفی شده، کمتر به نظر بیاید یا ابراز شود، اما حتماً در بنیاد نارضایتی معلمان کشور در همه دوره‌های تحصیلی عنصر مهمی است. از طرفی باب گفت‌وگوی مدرسه و خانواده در اکثر قریب به اتفاق مسائل مالی و کسب درآمد برای مدرسه است!! و بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند در شرایط موجود سنگین‌تر شدن وزن مالی آموزش را در سبد هزینه‌های خانوار خود تحمل کنند. اگر در مواردی پرشمار، مراجعه پرهیزی و حتی گریز از مدرسه، در بین خانواده‌ها وجود دارد؛ یکی از دلایل جدی آن دریافت وجوهی از اولیا برای اداره مدرسه‌ای است که باید با سرانه دولتی اداره شود (مدارس غیردولتی از شمول این بحث مستثنی هستند). اما بدون ملاحظه غیراخلاقی بودن آن، این هزینه را (هر چند ناگزیر و با اکراه) از خانواده‌ها دریافت می‌دارند!! رویارویی مدرسه و معلم با خانواده‌های دانش‌آموزان، از غیراخلاقی‌ترین کارها در عرصه تعلیم و تربیت ایران است. من در مقام داوری قطعی در این خصوص نیستم، اما نمی‌توان اثرات این رویه‌های ویرانگر را نادیده گرفت. معلمان باید بپذیرند، سوءتفاهم خانه و مدرسه در مواردی پرشمار بسیار جدی است.

از طرفی، خانواده‌ها حق دارند، اطمینان حاصل کنند، معلمان فرزندان آنان، علاوه بر صلاحیت‌های عمومی و روانی، صلاحیت‌های حرفه معلمی و نیز صلاحیت‌های تخصصی لازم را برای تدریس و تربیت دارند. بخشی از

این موضوع به کارکرد و راندمان معلمان برمی‌گردد. معلمان فرهیخته ما می‌دانند که باید با بردباری با دانش‌آموز و اولیای مربوط، وارد گفت‌وگو و تعامل سازنده در حوزه درسی و کاری خود بشوند. ابهام‌زدایی کنند، اشکالات کار خود را بپذیرند و همراهی حداکثری با خانواده‌ها و شرایط آنها را به عمل آورند. کیفیت بخشی به کار و حسن خلق در این زمینه، رافع بسیاری از مشکلات است.

بخش دیگر از سوء تفاهم‌ها، به برخی محدود سیاست‌ها و مقررات آموزش و پرورش و بعضاً سطح نازل مدیریتی مربوط است که ستاد مسوول باید نسبت به رفع آن اقدام کرده و پاسخگو باشد. برای نمونه استخدام‌های نادرست، معلمان قراردادی! سرباز معلم! و بالاخره کمبود جدی دوره‌های آموزشی روزآمد حرفه‌ای و تخصصی و مانند آن؛ مشکلات و پیچیدگی‌های روابط معلم و خانواده را تشدید می‌کند.

به هر حال، هدف از برشماری برخی چالش‌ها و آسیب‌های روابط معلمی، رسیدن به چالش‌های مربوط به مطالبات معلمان در ایران است. اینکه چرا در ایران در پس اعتراض معلمان، حمایت اجتماعی قرار ندارد! اینکه چرا خانواده‌ها و دانش‌آموزان مانند فرانسه به جنبش معلمی نمی‌پیوندند یا حتی از آن استقبال هم نمی‌کنند؛ صورت مساله را باید در وضعیت و روابط معلمی جست‌وجو کرد. ادامه دارد.

منبع: روزنامه اعتماد 21 آذر 1400 خورشیدی